



استعداد، شخصیت فکری و قابلیت آن در سنین و افراد مختلف

محمد رضا پوریافرد^۱

۱- کارشناسی برق - الکترونیک و دانشجوی کارشناسی علوم اقتصادی دانشگاه پیام نور شیراز

mpouriafard@gmail.com

ارسال: دی ماه ۹۶ پذیرش: بهمن ماه ۹۶

خلاصه

هر کسی با توجه به موقعیت بدنی که دارد، قادر است دارای قابلیت‌هایی شود. این موضوعی است که توسط بسیاری از متخصصان و کسانی که در این مورد صاحب نظر هستند بیان می‌شود. کسی که دارای هیكلی فربه می‌باشد، شخصی تنبل است که فقط برای کارهای بدون تحرک مناسب می‌باشد. کسانی که دارای هیكلی تنومند هستند برای کارهای رزمی و ورزشی و افرادی که دارای هیكلی نسبتاً ضعیف بوده برای کارهای عادی و عامیانه مناسب هستند. افرادی که دارای هیكلی تنومندند، دارای هوشی نسبتاً ضعیف و تحرکی کم می‌باشند که هر چه از فربگی آنها کاسته گردد بر ضریب هوشی آنها افزوده می‌شود. بعضیها بر این عقیده هستند که این قابلیت از خردسالی در آدمها قابل نمود بوده و آنها از همان دوران می‌توانند بر پرورش و استعداد شان بدانگونه که شایسته است، اقدام نمایند.

واژه های کلیدی: استعداد، وضعیت بدنی، شخصیت فکری، قابلیت آن در افراد مختلف

۱. مقدمه

نظریه های مختلفی در مورد استعداد افراد موجود است که باعث می‌شود با نگرشی بهتر به آن پرداخت. بعضی ها برای این عقیده هستند که شخصیتی که دارای هیكلی فربه بوده می‌بایست دارای ضریب هوشی باشد، که از قبل مشخص گردیده است. با توجه به این طرز تفکر که برگرفته از شخصیت حیوانهاست [۳]، اشخاص فربه دارای هوش کمتری نسبت به کسانی هستند که از نظر بدنی دارای اندام مناسبتری می‌باشند. با توجه به این نظریه، اگر شخصی تنومند دارای قابلیت باشد متفاوت با آنچه که آنها مد نظرشان است و از قبل تعیین گردیده، مشکلی است که می‌بایست از طریق به تصحیح آن اقدام نمود.

▪ نظریه استعداد فکری و موقعیت بدنی و معتقدان به این نظریه

این موضوع که قابلیت و استعداد فکری، وابسته به موقعیت بدنی اشخاص است، نظریه ای است که برخی صاحب نظران بدان معتقد می‌باشند [۳]. معتقدان به این نظریه می‌گویند که فرضاً کسانی که در آفریقا هستند، البته آنهایی که از نظر ژنتیکی دارای هیكلی قوی می‌باشند، نمی‌بایست دارای هوش و استعداد مناسبی بوده و اینگونه افراد فقط می‌بایست به کارهایی گماشته شوند متناسب با فیزیک

بدنیشان و بیشتر با توجه به فیزیک بدنی مورد استفاده قرار گیرند. شخصیت‌های ورزشکار برجسته در کشورهای مدرن امروزی بخصوص برای ورزش‌های سنگین از اینگونه افراد هستند.

اینگونه افراد و شخصیت‌هایی مشابه با آنها، نمی‌توانند برای کارهای دیگری که احتیاج به ضریب هوشی بهتری دارد مورد استفاده قرار گیرند. البته بعضی از آنها دارای عقیده‌ای هستند مشابه، با اندکی تفاوت، بدین طریق که به اعتقاد آنها شخصیت‌هایی با چنین خصوصیات همانند همان افراد هستند، با کمی ضریب هوشی بیشتر و نتیجتاً قابلیت بیشتری، که دارای پرورش بهتری نسبت به دیگران بوده‌اند. بنابراین از نظر سازمانی می‌بایست همان خصوصیات و استعداد را دارا باشند.

به طور کلی تفاوتی در اعتقاد و طرز فکر اینگونه افراد از هر قشری وجود ندارد. بر طبق همین نظریه افرادی دارای هیكلی نسبتاً ضعیف همانند اقوام آسیایی و بعضاً اروپای مرکزی دارای قابلیت‌های هوشی بسیاری هستند، که معمولاً پست‌های مدیریتی را دارا می‌باشند. تحرک زیاد اینگونه افراد باعث می‌شود که از نظر هوشی نسبت به بقیه متمایز گردند. طبق این نظریه، اینگونه افراد می‌بایست از نظر موقعیت کاری بهترین پست را داشته باشند.

نظریه اینگونه نظریه پردازان در مورد کسانی که متوسط القامت می‌باشند متفاوت است. هوش و قابلیت اینگونه افراد ممکن است وابسته به عوامل و متغیرهای باشد که در طول زمان عمر آنها تاثیر گزار بوده است. افراد پرورش یافته در محیطی متناسب دارای قابلیت هوشی بیشتر و کسانی که در محیط‌هایی نامناسب پرورش یافته‌اند نمی‌توانند ضریب هوشی نسبتاً مناسبی داشته باشند.

به گزارش دیلی میل^۱؛ تحقیقات و مطالعات جدید دانشمندان ثابت نموده که هوش و توانایی مغز افراد چاق نسبت به افرادی که تناسب اندام و وزن متناسب دارند کمتر است. زن و مردهایی که اضافه وزن دارند ماده سفید و خاکستری مغزشان کمتر است، همچنین این دسته از افراد توانایی پردازش متغیری دارند. یافته‌های محققان به نوعی علت این ضعف در مغز افراد چاق را تعیین می‌نماید.

بعضی از پزشکان مطالعاتی را در این مورد به انجام رسانده‌اند. بر اساس تحقیقی که بر روی ۳۵ مرد و زن بالغ انجام گرفت، تاثیر وضعیت وزن بدن روی سیستم عصبی، پردازش و کنترل در سیستم مغز بررسی شد. به این ترتیب که اندازه گیری دقیق روی شاخص توده بدن یا همان میزان چاقی افراد با تفاوت و تغییرات در مغز مورد بررسی قرار گرفت. دکتر "چیس فیگلی"^۲ استاد دانشگاه یکی از مراکز علمی آمریکا در رابطه با اسکن و بررسی‌های دقیق مغزی روی این افراد گفته است، ما تمام تغییرات در شبکه چیده مغز را مورد بررسی قرار دادیم و به یک تفاوت در Saliency Network برخوردیم. این بخشی در قشر مخ است

که عملکردی مشابه با سوئیچ شبکه و یا برج مراقبت پرواز را برعهده دارد. نقش این بخش از مغز انسان این است که تشخیص می‌دهد چه چیزی در آن لحظه مهم است و باعث می‌شود که اندام‌های بدن بر روی انجام آن فعالیت خاص متمرکز شوند. پیش از این مطالعات نشان داده بود، که ماده سفید موجود در مغز افراد چاق نرمال است ولی در این تحقیقات به طرز کاملاً واضحی مشاهده شد که نسبت ماده خاکستری افرادی که BMI یا شاخص حجم بدنی بالاتری دارند نسبت به ماده سفید مغزشان بیشتر است. توجه در تصاویر شبکه‌های مغز در این افراد این ناهماهنگی را به وضوح نشان داد و ما دریافتیم که این تغییرات رابطه مستقیم با اضافه وزن دارد چرا که افراد چاق به دلیل داشتن ماده سفید کمتری در مغزشان در کنترل تغذیه و داشتن سبک زندگی سالم ضعیف‌تر عمل می‌کنند. در نهایت وجود کمتری از ماده سفید در مغز افراد چاق نشان می‌دهد که هوش آنها درصد پایین‌تری نسبت به افراد می‌باشد. طبق یک مطالعه فرانسوی در سال ۲۰۰۶، محققان از ۲۳۲۴ فرد بزرگسال در طول یک دوره شش ساله، تست هوش گرفتند. طبق این مطالعه هر چقدر دور کمر افراد بزرگتر بود، توانایی شناختی آنها پایین‌تر بود. طبق یافته محققان، افراد دارای BMI (شاخص توده

¹ Daily Mail

² Chase figley

بدنی) معادل ۲۰ یا کمتر توانستند ۵۶ درصد از کلمات را در تست لغات به خاطر آورند، در حالیکه افراد چاق تر از این میزان، یعنی با BMI معادل ۳۰ یا بالاتر، فقط ۴۶ درصد از کلمات را به خاطر آوردند.

همچنین در آزمونی که پنج سال بعد گرفته شد، میزان درک شناختی افراد چاق تر کاهش بیشتری یافته بود. میزان یادآوری آنها تا ۳۹ درصد کاهش یافته بود، در حالیکه افراد دارای وزن سالم، سطح یادآوری شان را حفظ کرده بودند.

همچنین این باور وجود دارد که قد بلندها افراد موفق تری هستند. نتایج پژوهشی که در سال ۲۰۰۸ انجام شده است نشان می دهد که افراد قدبلند باهوش تر هستند. محققان با توجه به نتایج تست هوش خردسالان بررسی هایی انجام داده و متوجه شدند دخترها و پسرهایی که قد بلندتری دارند، در بزرگسالی پول بیشتری درمی آورند.

نتایج پژوهشی که در سال ۲۰۰۶ انجام شده است نشان می دهد هر چه میزان چربی های انباشته شده در بدن فردی زیادتر باشد، قدرت ذهنی او کاهش می یابد. افراد باهوش هیچ گاه خسته نمی شوند و دست از تلاش بر نمی دارند. این افراد همیشه کاری برای انجام دارند و دوست دارند چیزهای جدید یاد بگیرند. در پژوهش دیگری نیز که توسط محققان بر خردسالان ۱۱ ساله انجام شد، متوجه شدند دخترها و پسرهایی که نمره های پایین تری کسب کردند کودکانی هستند که در معرض چاقی قرار دارند.

▪ نظریه استعداد فکری و قابلیت اندازه گیری آن

بنابراین اگر چاق نباشد مطمئنا باهوش خواهید بود. باهوش بودن افراد عوامل مختلفی دارد، یکی از مهم ترین این عوامل مسئله ی وراثت و والدین است. اگر والدین شما باهوش باشند، استعداد فرزندان مطمئنا زیاد خواهد بود و اگر والدین باهوشی نداشته باشید، نمی توان گفت که واقعا از افراد با استعداد هستید و اینکه بگوئیم از لحاظ هوش از بقیه بالاتر هستید، کار بسیار سختی می باشد.

محققان دانشگاه استنفورد^۳ آمریکا در سال ۱۹۲۶ دست به تحقیق جالبی زدند تا بفهمند که کدام ماه های سال، نابغه پرورتر است. مطالعات آماری این محققان نشان داد که نابغه های جهان، عمدتاً در ماه های مارس^۴ (۱۰ اسفند تا ۱۱ فروردین) و آوریل^۵ (۱۱ فروردین تا ۱۰ اردیبهشت) به دنیا آمده اند و (درست در نقطه مقابل این دو ماه) کمتر نابغه ای را می شود پیدا کرد که در ماه های اوت^۶ (۱۰ مرداد تا ۹ شهریور) و سپتامبر^۷ (۱۰ شهریور تا ۸ مهر) به دنیا آمده باشند. محققان دانشگاه استنفورد، طی همین تحقیق سعی کردند تا بهره هوشی افراد مشهوری را که بین سال های ۱۴۵۰ تا ۱۸۵۰ میلادی می زیسته اند، به روش های آکادمیک تخمین بزنند. این تحقیق هم به نتایجی جالبی منجر شد و هنوز هم هستند محققانی که سعی می کنند بهره هوشی مشاهیری را که از دنیا رفته اند، تخمین بزنند. البته هرچه باشد تخمین، تخمین است و نمی شود با قطعیت درباره اش صحبت کرد. بنابراین بسیار جالب است بدانید که اگر فرزندان موقعی برنامه ریزی شوند که در چنین ماههایی متولد شوند واقعا از هوش خاصی برخوردار می شوند.

سر فرانسیس گالتون^۸ دانشمند انگلیسی، یکی از نخستین کسانی بود که سعی کرد توانایی های ذهنی افراد را اندازه بگیرد و با هم مقایسه کند. او از مطالعاتش نتیجه گرفت که هوش آدم ها جنبه توارث دارد. بعدها آلفرد بینیه^۹ و تئودور سیمون^{۱۰} به سفارش آموزش و پرورش فرانسه، آزمون ویژه ای را برای دانش آموزان فرانسوی طراحی کردند. این آزمون، معلوم می کرد کدام یک از علم آموزان می توانند بی هیچ مشکلی در مدارس معمولی تحصیل کنند و کدام یک از علم آموزان نیاز به تحصیل در مدارس بهتری را دارند.

³ Stanford

⁴ March

⁵ April

⁶ August

⁷ September

⁸ Francis Galton

⁹ Alfred Bineet

¹⁰ Hermann Theodor Simon

همین آزمون بعد از مدتی به زبان انگلیسی ترجمه شد و در آمریکا مورد استفاده قرار گرفت. لویس تریمان^{۱۱}، روان شناس سرشناس آمریکایی، تغییرات مختصری را در این آزمون وارد کرد تا برای بزرگسالان هم قابل استفاده شود. عبارت بهره هوشی نیز ابتکار او است. تا قبل از او، نتیجه تست هوش صرفاً به یک شکل ساده (تعیین سن عقلی) بیان می شد، اما او بهره هوشی را از فرمول سن عقلی تقسیم بر سن واقعی ضرب در صد محاسبه کرد. یعنی اگر کودکی، هشت سال سن داشته باشد و تست هوش را با مهارت یک کودک ۱۲ ساله حل کند، بهره هوشی اش می شود ۱۵۰. $(150 = 100 \times (12/8))$

علاوه بر اینگونه مطالعاتی در این مورد انجام شده است، که ممکن است موارد دیگر مطالعاتی باشد که نظریه اینگونه افراد را تایید می نماید. البته، طبق گفته بعضی از دانشمندان، این فرمول که از محاسبات ریاضی برگرفته شده است، اگرچه برای مقایسه هوش خردسالان مناسب است، اما برای بزرگسالان کارایی چندانی ندارد [۲]. چراکه هوش افراد در بزرگسالی معمولاً ثابت باقی می ماند و دیگر کم و زیاد نمی شود. توجه داشته باشید که همیشه نمی توان گفت هوش افراد در بزرگسالان قابل تغییر است.

▪ نظریه استعداد فکری و تعیین استعداد شخصیتها بر اساس طبقه بندی ای مشخص

نظریه پردازان، عقیده دارند که آدمها مطابق با آنچه که مورد نظر آنهاست طبقه بندی می شوند. بر طبق نظریه آنها سه دسته کلی از افراد را می بایست در نظر داشته باشیم، و کلیه موقعیتهای شغلی که در جامعه ممکن است وجود داشته باشد بر اساس همین طبقه بندی متمرکز می شود.

انتخاب شخصیتی برای پستی ارتشی از افرادی انجام می شود که از نظر بدنی تنومند بوده، و فرضاً پزشکی متخصص اندامی نسبتاً متعادل می بایست داشته باشد. بنابراین شخصیتی پزشک نمی تواند شخصی فربه و دارای اندامی ناموزون باشد. برای اینکه چنین شخصیتی قابلیت هوشی یک پزشک را دارا نیست. آنها بر این عقیده هستند که اگر چنین شخصیتی پزشک شود قادر نخواهد بود که از عهده چنین مسئولیت مهمی بر آید.

با توجه به این طرز تفکر اگر چنین شخصیتها هم با قابلیت نسبتاً متوسط طبق آنچه که ذکر گردید باشند، از نظر آنها قابل قبول نبوده و نمی توانند در طبقه بندی ای فراتر از آنچه که مورد نظر آنهاست قرار داشته باشند. فرضاً شخصیتی فربه و پزشک نمی تواند واقعا پزشکی باشد که مورد نظر آنهاست. قابلیت افراد و شخصیت فکری، از خردسالی برای آنها کاملاً مشخص بوده و طبق همین موضوع آنها در یکی از این سه دسته طبقه بندی قرار خواهند گرفت [۵]. طبق نظریه آنها خردسالی فربه در آینده همان شخصیت فربه ای خواهد بود که مورد نظر آنهاست. و آنکه دارای اندامی نامناسب است همانی است که در آینده هوش و قابلیت استعداد مناسبی را دارا است. طبق آنچه که آنها اعتقاد دارند پرورش آنها می بایست مطابق با آنچه باشد که مورد نظر آنهاست. اگر آنها فرزندی داشته باشند مطابق با یکی از دسته بندیهای گفته شده، می بایست به تربیت و پرورش آن پردازند. البته اینکه موافقان با چنین نظریه ای، چگونه و چطور به این موضوع دستیابی نموده اند مشخص نیست فقط می توان گفت که آنها افرادی هستند کاملاً منظم، استوار بر عقیده شخصی، دارای گروهی مشخص و اجرا کننده آنچه که بدان معتقد می باشند.

افرادی که مطابق با این نظریه پرورش می یابند، نمی توان گفت همان کسانی هستند که می باید در موقعیتی قرار داشته باشند که میبایست. اگر خردسالی طبق آنچه که این گروه بدان اعتقاد دارند، به عنوان مدیری پرورش یافته شود که استعدادی را که از آن انتظار می رود نداشته باشد، مدیریتی نخواهد داشت که به نفع جامعه باشد. این همان موردی است که باعث می شود بی نظمی و اختلال در سازمانی بوجود آید، که مطابق با نظریه چنین افرادی، شخص مورد نظر آنها به کار پرداخته می شود.

¹¹ Louis Turman

شخصی که در پست نظامی مشغول به کار است، ممکن است استعداد پزشک شدن را داشته باشد. اما اگر مدیری در سازمانی قادر به انجام وظایفی که می بایست به طور صحیح انجام شود نباشد، ممکن است استعدادهای که از یک مدیر انتظار می رود را نداشته باشد [۴]. مشخص است که همان عوامل باعث می شود که در روند کار مدیریتی سازمانی مشکلی بوجود آید. اگر پزشکی در حیطه انجام وظیفه اش مشکلی بوجود آورد و یا از عهده انجام آن کار برنیاید، ممکن است قابلیت های او در حدود قابلیت های یک مدیر باشد [۸].

۲. تفاوت وجود استعداد در شخصیتها و نظریه نظریه پردازان

باید دانست که هر چند قابلیت تحرک افراد در اکثر مواقع وابسته به موقعیت اندامی آنهاست، اما این موضوع دلیل بر مستعد بودن و یا استعداد کم شخصیتی نخواهد بود [۳]. استعداد افراد قابلیت است الهی که هر فرد اعم از هر نوع موقعیتی ممکن است آن را دارا باشد. اینکه خردسالی می تواند دارای چه موقعیتی در آینده باشد، موضوع مشخصی نیست. آینده افراد و موقعیتی که آنها در آینده می توانند در جامعه داشته باشند در گرو نظریه پردازان خاصی نیست، که بر طبق آن نظریه پردازان تصمیم گیری در مورد آنها داشته باشند. موقعیت شغلی افراد نیز موردی نیست که بتوان از همان خردسالی فقط بر طبق نظریه ای بدان پرداخت.

خردسالی فربه می تواند دارای همان استعدادی باشد که شخصیتی دارای اندامی نه چندان مناسب. عوامل بسیاری است که می تواند در پرورش استعداد و رسیدن شخصیتی به آنچه که مورد نظر هر فردی است موثر باشد [۲]. طبقه بندی افراد طبق آنچه که مورد نظر نظریه پردازان است، متناسب با آنچه که وجود دارد نیست.

۳. عوامل موثر در تعیین استعداد در افراد مختلف

استعداد قابلیت است که در هر فردی ممکن است متفاوت باشد. این موضوع می تواند به محیط، عوامل تغذیه، والدین، اجتماعی که افراد در آن هستند و موقعیت های پرورش مناسب بستگی داشته باشد. محیطی مناسب باعث می شود که علاوه بر تقویت استعداد، افزایش و تناسب اندام را هم باعث شود. به همین علت است که اروپای غربی معمولاً قومی است که نژادی با استعداد، دارای اندامی قوی و توهمند را دارا می باشد [۴]. اینگونه کشورها، از نظر ورزشی بسیار مستعد، از نظر صنعتی بسیار قوی و دارای مدیریتی بسیار مناسب هستند. البته این موضوع در مورد تمام کشورهای آن منطقه صادق نیست.

▪ عامل تغذیه

علاوه بر عوامل محیطی، عوامل تغذیه از موضوعاتی است که بر استعداد افراد می تواند بسیار موثر باشد [۱۴]. این بگونه ای است که در بعضی از کشورها، استفاده از مواد مغذی و خوراکی بسیار مهم می باشد. آنها برای استفاده مواد غذایی روزانه شان از پزشک متخصص و مشاوره های مختلف استفاده می نمایند. استفاده از بعضی از مواد خوراکی در برخی موارد کمتر و استفاده از مواد خوراکی دیگر بیشتر است [۷]. استفاده از نان، غلات، سبزی های تازه، لبنیات کم چرب و مصرف شیر میتواند کمک زیادی به تقویت استعدادی خردسالان بنماید. بدین طریق است که خوردن گوجه و سبزی برای افراد با تناسب اندامی نامناسب توصیه نمی شود. به این نکته باید توجه داشت که به عقیده برخی پزشکان نارنگی به خاطر داشتن فسفر زیاد و ویتامین های فراوان، باعث تقویت حافظه و هوش می شود.

پنیر یکی از مواد لبنی متداول و پرمصرفی است که سرشار از کلسیم و پروتئین و دارای ارزش غذایی و فواید سلامتی بسیاری است. این ماده‌ی غذایی به خاطر طعم مطبوعی که دارد، می‌تواند به تنهایی یا در کنار سایر غذاها استفاده شود و مزه‌ی بهتری به آنها بدهد. به علت ارزش غذایی بالای پنیر، پزشکان توصیه‌های فراوانی به استفاده آن برای خردسالان می‌نمایند. مصرف پنیر قبل از خواب به داشتن خوابی آرام کمک می‌کند.

▪ عامل محیط خانوادگی

محیط خانوادگی از دیگر عواملی است که به جهت اینکه همواره بیشتر دوران زندگی با آن تطابق دارد، در استعداد افراد نقش مهمی را ایفا می‌نماید. بسیار کسانی هستند که به علت داشتن والدینی با استعداد و یا دارای شخصیتی اجتماعی برجسته همواره سعی می‌نمایند که به موقعیتی بسیار مناسب در جامعه برسند [۲]. برخی بر این عقیده هستند که محیط خانوادگی مناسب و امن در پرورش استعداد مناسب افراد بسیار مهم است. هر چند این افراد ممکن است دارای اندامی مناسب و فربه‌ای هم باشند اما موقعیت خانوادگی آنها و پرورش که برای فرزندانشان در نظر می‌گیرند باعث افزایش استعداد و کارایی آنها می‌شود.

▪ عوامل اجتماعی

جامعه‌ای که افراد در آن زندگی می‌نمایند، می‌تواند به پرورش استعداد آنها بسیار کمک نماید [۳]. شخصی که در محیطی اجتماعی مناسبی زندگی می‌نماید ممکن است با شخصیتی که در محیطی نامناسب زندگی کند متفاوت باشد. بسیار افرادی هستند با استعداد که به علت وجود محیط اجتماعی نامناسب، موقعیت را که در اجتماع باید داشته باشند را دارا نیستند. پرورش استعداد افراد در جوامع مناسب بسیار متفاوت است، با کسانی که در جامعه‌ای نامناسب زندگی می‌نمایند. البته این موضوع، بستگی به عوامل و کسانی دارد که موافق با نظریه گفته شده نباشند. وجود عوامل اجتماعی مناسب در جامعه‌ای با وجود نظریه پردازان، کارایی چندانی نخواهد داشت. اگر قرار باشد که افراد طبق طبقه بندی‌هایی انجام شده به آنچه که باید دستیابند، محیطی مناسب و نامناسب چندان تاثیری بر روند پرورش آنها نخواهد داشت.

۴. درک استعداد در اشخاص متفاوت و آنچه موجود است

باید توجه داشت که با توجه به آنچه ذکر شد، ارایه یک تعریف جامع برای استعداد کار چندان ساده‌ای نیست. استعداد یکی از همان مفاهیم به ظاهر ساده‌ای است که هیچ تعریف واحدی که مورد قبول همگان باشد، برایش ارایه نشده است. در سال ۱۹۲۳، یک مجله معتبر آمریکایی از ۱۲ روان‌شناس و استاد دانشگاه درخواست کرد تا هوش را تعریف کنند. پاسخ‌هایی که به دفتر مجله رسید، ۱۲ پاسخ کاملاً متفاوت بود؛ اما در بیشتر آن‌ها بر "توانایی آموختن از تجربیات و توانایی سازگاری با محیط" به عنوان یکی از شاخص‌های هوش تاکید شده بود. مجله دیگری نیز همان کار را در سال ۱۹۸۶ تکرار کرد و از ۲۵ کارشناس تقاضا کرد تا تعریف خودشان را از "هوش" ارایه کنند. باز هم، تعریف‌ها بسیار متفاوت بود.

سازگاری با مشکلات و مسایل جدید در زندگی، توانایی تفکر انتزاعی، سازگاری با محیط، ظرفیت کسب اطلاعات جدید، توانایی برخورداری از استقلال و خلاقیت فکری، توانایی به دست آوردن توانایی، درک روابط موجود بین پدیده‌های مختلف، توانایی قضاوت کردن، فهمیدن و استدلال کردن، استنتاج روابط، توانایی شناختی عمومی و ذاتی از مواردی است که در افراد مختلف متفاوت است.

عامه مردم تصویر و تصور متفاوتی از هوش دارند: عقل سلیم، زرنگی، توانایی حل مشکل، خوب صحبت نمودن، علاقه به یادگیری و ... به علاوه، خیلی از مردم توانایی های اجتماعی شان را هم به پای هوش می گذارند [۳]. اگرچه خیلی از کارشناسان، هوش را به صورت "آن چه با تست هوش مورد ارزیابی قرار می گیرد" تعریف می کنند، اما خیلی ها با این تعریف موافق نیستند و معتقدند که هوش، مجموعه ای از توانایی ها است که در شخص مورد نظر، توانایی محسوب می شود [۴]. اگر این تعریف را قبول کنیم، می توان گفت که تعریف هوش از محیطی با محیط دیگر هم، متفاوت خواهد شد. مثلاً در آمریکای شمالی، مهارت های گفتاری و ریاضی را به هوش ربط می دهند، اما در جزایر جنوب اقیانوس آرام، قدرت جهت یابی و مهارت های دریانوردی را به پای هوش می گذارند. بدین ترتیب، با یک تست هوش واحد نمی توان هوش نسبی افراد را در تعیین نمود و مورد مقایسه قرار داد. در سال های اخیر، این بحث زیاد مطرح شده که تست های استاندارد هوش، تنها بخشی از توانایی های انسان را مورد اندازه گیری قرار می دهند بنابراین فقط ابعاد خاصی از هوش را می سنجند.

۵. نتیجه گیری

استعداد افراد عاملی نیست، از پیش تعیین شده که در شخصی وجود داشته باشد و بر طبق آن موقعیتی را برای شخصیتی با توجه به آن در آینده در نظر داشت. این موضوع به موقعیت جسمی و تناسب بدنی افراد هم بستگی نخواهد داشت. پرورش بهینه و درست، محیطی مناسب، موقعیت خانوادگی و اجتماعی افراد از عواملی هستند که در استعداد افراد بسیار موثرند. همیشه افرادی هستند در جامعه دارای استعدادی مناسب که متناسب با آنچه که مورد نظر برخی نظریه پردازان است نمی باشند. اگر به پدیده های مختلف زیستی دقت کنید، متوجه خواهید شد که اکثر آنها دارای توزیع طبیعی می باشند. برای مثال، قد، وزن و هوش تابع منحنی نرمال هستند، و در هر جامعه به نسبت، تعداد کمی از افراد قد بلند یا قد کوتاه هستند و اکثریت افراد دارای قد متوسط می باشند. در بیشتر جوامع، تعداد کمی از جامعه از نظر هوشی متوسط هستند، لذا این مسأله که افراد بخصوصی باهوش هستند و اکثریت افراد جامعه از نظر هوشی متوسط هستند، از نظر علمی درست نیست. هر چند ممکن است که یک جامعه نسبت به جامعه دیگر در زمینه های مختلف موفقیت بیشتری کسب کرده باشد، اما این مسأله ربطی به توزیع هوش ندارد و عوامل دیگری از قبیل تلاش و پشتکار، سخت کوشی، انگیزه و ... نیز دخالت دارند [۴]. به طور مثال، اروپائینی که در مورد آنها گفته شد، در امور مختلف بسیار موفق هستند، اما با وجود عوامل محیطی مناسب، سخت کوشی هم عاملی است که باعث ازدیاد توانایی آنها شده است.

۶. منابع

- ۱- زمان، ساعد (۱۳۹۳)، چگونه حافظه برتر داشته باشیم، چاپ اول، تهران، انتشارات قفقوس
- ۲- صفری، مهشید (۱۳۹۲)، هوش های چند گانه، تهران، انتشارات مدرسه
- ۳- دژگاهی، صفری (۱۳۹۲)، تحلیل یادگیری بر اساس مقایسه سبک های شناختی و هوش چند گانه، تهران، انتشارات علم
- ۴- نوه ابراهیم، عبدالرحیم (۱۳۹۳)، سازمان استعداد محور، تهران، انتشارات مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران
- ۵- خانقانی، غلامحسین (۱۳۹۴)، هوش هیجانی، تهران، انتشارات نسل نواندیش
- ۶- علیان عطا آبادی، حسین (۱۳۸۹)، استعداد یابی و استعداد پروری، تهران، انتشارات امید مجد
- ۷- احمدی، محسن (۱۳۹۵)، درمان بیماریها با تغذیه و غذا درمانی (رژیم های غذایی لاغری)، تهران، انتشارات سپاهان

۸- جزئی، نسربین (۱۳۹۱)، توسعه استعدادهای آتی، تهران، انتشارات آگاہ

۹- بهشتی فر، ملیکه (۱۳۹۳)، جانشین پروری، خلق خزانه استعدادها، تهران، انتشارات راه تندرستی

10- Gardner, Howard, Changing Minds: The Art and Science of Changing Our Own and Other People's Minds (Leadership for the Common Good), Harvard Business Review Press; 1 edition (September 1, 2006).

11 - Gardner, Howard E., Multiple Intelligences: New Horizons in Theory and Practice, Basic Books; Reprint edition (July 4, 2006).

12 - Foer, Franklin, World without Mind: The Existential Threat of Big Tech, Penguin Press (September 12, 2017)

13 – Barrett, Louise, Beyond the Brain: How Body and Environment Shape Animal and Human Minds, Princeton University Press; 1 edition (March 23, 2015)

14 - Wurtman, Judith, Managing Your Mind and Mood through Food, Harper Perennial; 1 edition (January 26, 1988)